

## «روایت تولید» در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

نظر و گذری بر «سیره اقتصادی معصومین» در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

### «روایت تولید» در مکتب بزرگان دین

■ **سماحه صادقی**

اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه که در عنوان خویش آورده است به «سیره اقتصادی معصومین (ع)، در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای» می‌پردازد.

این پژوهش از سوی حمیدسیحانی صدرانجام شده و انتشارات انقلاب اسلامی آن را روانه بازار کتاب کرده است. تازنمای ناشر در توضیحی بر مضمون و محتوای این کتاب، نکات بی‌آمده را از نظر دور نداشته‌است:

«مرور بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) از ابتدای دوران مسئولیت چه در جایگاه ریاست جمهوری و چه در جایگاه رهبری و به‌خصوص در ۱۵ سال اخیر، نشانگر تأکید و توجه ویژه‌معلم‌له بر تصحیح و توسعه‌اقتصاد و راهبردهای حل چالش‌های آن بوده است. اقتصادی که مبتنی بر اصولی اسلامی و عدالت‌محور بنیان شده باشد، یعنی همان که در اندیشه و سیرهمعصومین(س) از آن سخن به میان آمده است. ایشان معتقدند که اسلام فقط سبک زندگی شخصی و طریقه‌ارتباط با پروردگار را برای بشریت ترسیم نمی‌کند، بلکه برای همه‌ابعاد زندگی انسان همانند مسئله‌معیشت و اقتصاد نیز برنامه‌ای در خصوص دارد. کتاب روایت تولید، به بیان نمونه‌هایی از این راهبردها و خطوط اقتصاد اسلامی مطرح شده در کلام رهبری می‌پردازد؛ راهبردها و چارچوب‌هایی که با واکاوی تاریخ اسلام و دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی نبوی (ص) و سیرهمعصومین(ع)، نشانه‌هایی از آنها را در بیان و شیوه‌زندگی پیامبر اکرم و اهل‌بیت(ع) می‌بینیم. در فصل اول این کتاب، اهمیت خودکفایی و استقلال اقتصادی با رجوع به اقدامات پیامبر اسلام (ص) در مدینه و مقابله با سلطه‌اقتصادی بیگانگان بررسی

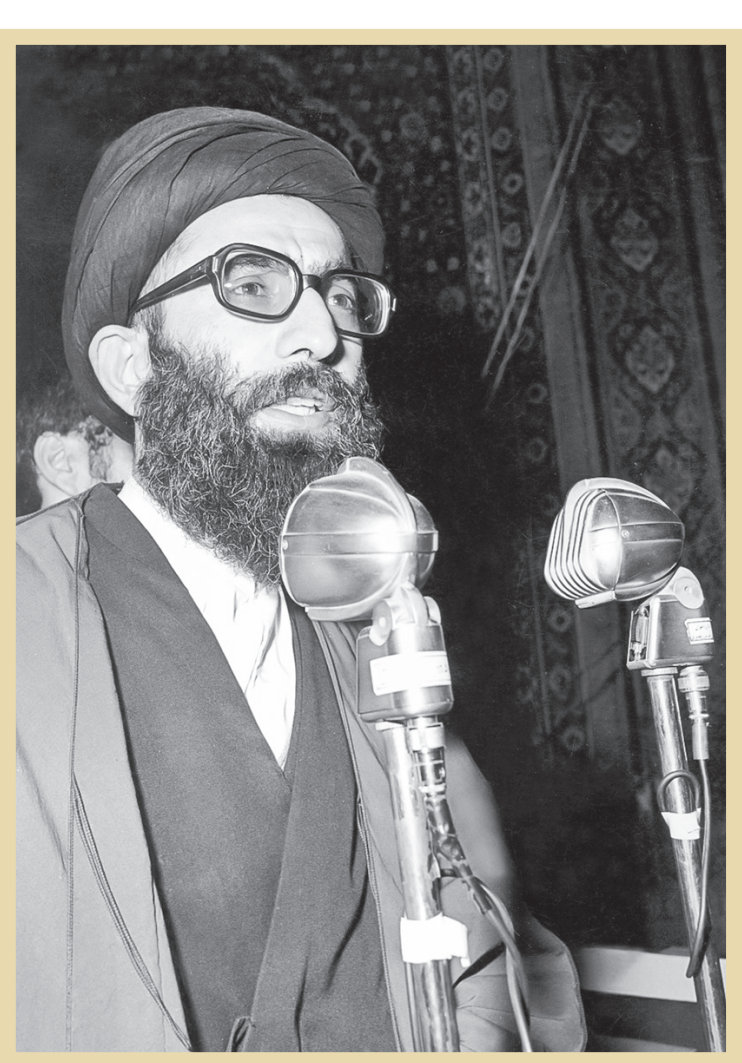


۱۳۹۵. ششمین کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین

شده است. نویسنده نشان می‌دهد که چگونه پیامبر اسلام(ص) با ایجاد بازار مستقل، حمایت‌از تولید داخلی و ترویج فرهنگ کار و مهارت‌آموزی، جامعه‌اسلامی‌را از وابستگی به بیهدیان و بیگانگان رها ساخت. در فصل دوم، مفهوم اقتصاد مقاومتی از منظر آیت‌الله‌خامنه‌ای تبیین شده‌است.موضوعاتی مانند اقتصاد درون‌زا، مردم‌محوربودن اقتصاد، عدالت اقتصادی و توزیع پس از تولید، با مثال‌هایی از تاریخ اسلام و بیانات رهبر انقلاب تشریح شده‌اند. فصل سوم به مسئله‌کار و اشتغال اختصاص دارد و نقش پیامبر اسلام(ص) و امامان در تکریم کارگران، مبارزه با بیکاری و ترویج مهارت‌آموزی را برجسته می‌کند.در فصل چهارم، تولیدبه‌عنوان محور اقتصاد اسلامی مطرح شده و نقش زکات، شکلات مؤمنانه و توسعه‌کشاورزی و صنعت در صدر اسلام بررسی شده‌است.فصل پنجم به بازار و تجارت می‌پردازد و موضوعاتی مانند توسعه‌بازرگانی خارجی، نظرات بر بازار، مبارزه با احتکار و گرانی و حمایت از تولیدات داخلی را در سیرهمعصومین تحلیل می‌کند. فصل آخر نیز به اصلاح الگوی مصرف، مبارزه با اسراف و مدیریت منابع در جامعه‌اسلامی اختصاص یافته است. در مجموع، کتاب روایت تولید با استناد به منابع تاریخی و بیانات رهبر انقلاب، الگویی برای تحقق اقتصاد مقاومتی و تولید ملی در جامعه‌امروز ارائه داده است. کتاب روایت تولید با رویکردی تحلیلی و مستند، به بررسی ریشه‌های تاریخی و دینی اقتصاد مقاومتی و تولید ملی می‌پردازد. این کتاب با استفاده از شواهد تاریخی و بیانات رهبر انقلاب نشان می‌دهد بسیاری از چالش‌های اقتصادی امروز ایران، ریشه در مسائل مشابهی دارد که جامعه‌اسلامی در صدر اسلام نیز با آنها روبه‌رو بوده‌است.ویژگی شاخص این کتاب، تطبیق آموزه‌های سیره‌معصومین (ع) با نیازهای معاصر و ارائه راهبردهایی برای عبور از مشکلات اقتصادی است...»

## عاریخ

تاریخ ۸۸۵۳۳۰۶۰



در حال ایراد یک سخنرانی ۱۳۵۷، شهید شهید آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای

در روز نیمه رمضان ۱۳۴۲، یکی از مخبران ساواک به نام ابوالقاسم فرجی در مسجد شیعیان زاهدان حضور داشت و ماوقع را با دقت و اشاره به جزئیات، به مقام بالاتر گزارش داد. این روایت که در عداد یکی از اسناد مهم در باره تاریخچه مبارزات آیت‌الله خامنه‌ای قرار دارد، تصویری روشن تر از آنچه رهبر شهید در باب آن سخنرانی در خاطرات خویش ارائه داده‌اند را به دست می‌دهد، چراکه تقریباً بخش‌های مهمی از عبارات ایشان در این سخنرانی را آورده است. علاوه بر این از توصیف فضای حاکم بر مسجد نیز غفلت نکرده است

### خوانشی از گزارش منتشر نشده ساواک در باب سخنرانی رهبر شهید در مسجد شیعیان زاهدان

# انگونه که اسپانیا را از اسلام گرفتند می‌خواهند ایران را نیز بگیرند!

ایشان به زندان -اردوگاهی در شهر مشهد منتهی شد. ایشان به رغم این تجربه به سکوت نگرایید و در آستانه ماه رمضان آن سال، شهر زاهدان را برای تبلیغ خویش انتخاب کرد.وی پس از ورود بدان شهر متوجه شد که ساواک، یکی از وابستگان خویش را برای ایراد سخنرانی در مسجد شیعیان این شهر بدان خطه اعزام کرده‌است.

۲- در آن دوره، عالم بزرگ شیعیان در شهر زاهدان، زنده یاد آیت‌الله حاج شیخ محمد کفعمی خراسانی بود که امامت تنها مسجد شیعیان در زاهدان را برعهده داشت. وی به رغم علاقه و گرایش به نهضت اسلامی و رهبری آن زیر فشار شدید ساواک قرار داشت، هم از این نمی‌توانست از حضور و سخنرانی جمعیلی برخی وعاظ السلاطین به‌طور مطلق جلوگیری به عمل آورد. هم از این روی و در نهایت بنا شد که در ماه رمضان ۱۳۴۲، ابتدا آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای به منبر برود و سپس نوبت به سخنرانی آن فرد وابسته به حکومت رسد. در روز ۱۵ رمضان آن سال و پس از اقامه نماز ظهر و عصر به امامت - آیت‌الله کفعمی، آیت‌الله خامنه‌ای سخنرانی‌های انقلابی خویش را کلید زد و در حضور آن سخنران مورد حمایت ساواک به هیئت حاکمه و نیز وعاظ مهمی از حضار آن در پی رهبر شهید از مسجد بیرون آمدند و تنها عده‌ای اندک در شبستان باقی ماندند. دقایقی بعد آیت‌الله کفعمی در اعتراض به سخنان واعظ دوم به وی بر پراش و بسا بقیه مردم مجلس را ترک کرد و عملاً جلسه به هم خورد.هم از این روی، دیگر برای سخنران دوم، زمینه‌ای برای تداوم منابر وی باقی نماند.

۳- در اثر «خون دلی که لعل شد»، روایت آیت‌الله خامنه‌ای از آغاز و انجام این جلسه، به ترتیب بی آمده



از آنکه بیرون بروم، دیدم شیخ روی پله‌اول منبر ایستاده و از مردم خواهی می‌کند تا به اندازه ۱۰ دقیقه هم که شده - فقط ۱۰ دقیقه! بمانند. او همچنان می‌کوشید نظر مردم را جلب کند، اما مردم به در خواست او توجه نکردند و از مسجد خارج شدند و شاید فقط ۵۰ نفر ماندند... پس از حدود یک ربع در حالی که در اتاق مسجد نشسته بودم، یک‌باره صدای فردی را شنیدم که خروش برآورده بود و حمله و سرزنی می‌کرد و دشنام می‌داد! از جا بر خاستم و از پنجره به بیرون نگاه کردم، دیدم آقای کفمی است که همچون شیر می‌غرد، هنوز تحت‌الحتکش بر گردن اووزبان است و مردم هم به دنبالش هستند.از این صحنه، شگفت‌زده شدم. دقایقی بعد هم دیدم که آن شیخ مورد بحث، سرخورده و شکست‌خورده از شبستان مسجد بیرون می‌رود. بعد از آن مردی نجرار از دوستان این شیخ نزد من آمد و گفت: شیخ روی منبر سخنانی گفت که آقای کفعمی را به خشم آورد؛ بنابراین آقای کفعمی هم برخواست و به مردم گفت مردم! احترام است که پای سخنان این شخص بنشینید! بعد هم رفت بیرون و مردم نیز با او بیرون رفتند. بعدها فهمیدم که این مرد بدنهاده، پس از من به منبر رفته و به آن قسم علمایی که من آنها را مورد ستایش قرار دادم، حمله کرده و دشنام گفته‌است. بنابراین راهی در مقابل آقای کفعمی نبوده جز اینکه در برابر این وضعیت طبق وظیفه شرعی خود عمل کند و همین کار راهم کرده بود. من یقین پیدا کردم که شیخ کذابی پس از این حادثه، دیگر در زاهدان کارش تمام‌است...»

۴- در روز نیمه رمضان، مصادف با جمعه مورخه ۱۳۱۱/۴۲، یکی از مخبران ساواک به نام ابوالقاسم فرجی در مسجد شیعیان حضور داشت و ماوقع را با دقت و اشاره به جزئیات، به مقام بالاتر گزارش داد. این راپسرت که در عداد یکی از اسناد مهم در باره تاریخچه مبارزات آیت‌الله خامنه‌ای قرار دارد، تصویری روشن‌تر از آنچه رهبر شهید در باب آن سخنرانی در خاطرات خویش ارائه داده‌اند، را به دست می‌دهد، چراکه تقریباً بخش‌های مهمی از عبارات ایشان در این سخنرانی را آورده است. علاوه بر این، اظهارات سخنران پیشین و نیز واعظ وابسته‌ای که پس از آیت‌الله خامنه‌ای به منبر رفتن را نیز ذکر کرده است. بر این همه بیفزاییم که از توصیف فضای حاکم بر مسجد نیز غافل نبوده و آن را نیز انعکاس داده است. بنابراین این روایت، می‌تواند مکمل خاطراتی باشد که چند روز قبل در این رسانه انعکاس یافت.

■ **ما را به سوی نیستی سوق می‌دهند و نام آن را تمدن جدید می‌گذارند**
در اینجا به مهم‌ترین بخش از این نوشتار می‌رسیم. متنی که ابوالقاسم فرجی مأمور ساواک، با توجه به سطح دانش و قدرت نوشتار خود نگاشته و به سرعت آن را برای مقام بالاتر ارسال کرده‌است:

«گزارش مأمور در مسجد جامع محترم ما معروض می‌دارد، اینجانب ابوالقاسم فرجی نتیجه مأموریت روز جمعه مورخه ۱۳۱۱/۴۲ [که] در مسجد جامع زاهدان مسجدها بودم، [را] عیناً به عرض می‌رسانم - ساعت ۱۲ ظهر به مسجد رفتم، مردم کم - برای نماز جمع می‌شدند تا در ساعت ۱۲:۲۰ بخوانده‌اشد. مستمعین در حدود ۳۰۰ نفر بودند. نماز جماعت جمعه به پیش‌نمازی آقای کفعمی - ساعت ۱۲:۵۰ ظهر به مسجد رفتم، مردم کم - برای نماز جمع می‌شدند تا در ساعت ۱۲:۲۰ بخوانده‌اشد. مستمعین در حدود ۳۰۰ نفر بودند. نماز جماعت جمعه به پیش‌نمازی آقای کفعمی می‌کنند و به وظایفش و نیز وظایف خود عمل می‌کنند، حاکمه مستمگر سازش می‌کنند و به نفع آن فعالیت می‌کنند، حمله کرد. شیوه یجست من مخاطب قرار دادن یک آخوند درباری فرضی بود که مثلاً در برابر من نشسته است. با این شخص فرضی، با لحن ملامت‌گرانه و سرزنش‌آمیز زدم و او را به خاطر جنایتی که با عمل نکردن به وظایفش و تسلیم بودن در برابر مستمگران نسبت به اسلام و مسلمین مرتکب می‌شود، به یاد ملامت گرفتم. شیخ یاد شده، در مجلس نشسته بود. آقای کفعمی هم روی سجده‌اش در محراب نشسته بود. من در نهایت جرئت و شهامت سخن گفتم و این یکی از بهترین منبرهای بود. بعد هم ذکر مصیبت امام حسین(ع) کردم و از منبر پایین آمدم. مردم معمولاً در روزهای قبل، پس از منبر من باز هم می‌نشستند تا به سخنرانی شیخ کذابی گوش دهند، اما این‌بار بر خاستند و با تحسین و تیرگی و تأیید به سوی من آمدند. من از شبستان خارج شدم و مردم نیز با من خارج شدند و طبق معمول، به سوی یکی از اتاق‌های مسجد رفتم تا استراحت کنم. پیش

سر نشینان کشتی را هم غرق کند. من وظیفه دارم که بدون سپرده به عرض حاضر برسانم، عده‌ای از این روحانیون که روحانی‌نما هستند، اینها فریب خورده و دین خود را فروخته‌اند و حالا هم کسانی هستند که می‌خواهند مابقی را فریب داده و منحرف سازند. حالا ببینیم به چه وسیله و چطور. یکی اینکه به وسیله کسانی که در این مملکت مخفی هستند، تماس می‌گیرند و به طریق دوم. پول [با] زور و ترس ما را از ارشاد مردم بازمی‌دارند و خودسراسرانه بر خلاف دین، آنچه می‌خواهند، می‌کنند. روحانی حقیقی فقط کسی است که به خدا ایمان دارد و از هیچ چیز نمی‌ترسد و به درستی رهبری یک ملت شیعه را به عهده بگیرد و این وظیفه روحانی است و آقایان اگر دین نباشند می‌دانید چه پسر من و تو که روبه‌روی من نشست‌های می‌آورند؟ برای مثال، حقیقتی را بیسان می‌کنم. در زمان قدیم،

اسپانیای امروز جزو کشور اسلامی ایران بود و مردم ایران در اسپانیا زمام‌امور را به دست گرفته بودند و شاهنشاهی و مقر خود را در آنجا قرار داده بودند و ۶۰۰ سال زندگی می‌کردند. اهالی که متعلق به خود اسپانیا نبودند، در قبل از آنکه به آن‌تصرف ایران درآید، این عده خواستند به داخل این شیعیان اسلام راه یابند، نشستند و فکر کردند و با نقشه وارد شدند. اول یکی از کفار که همسایه یک مسلمان بود، ابتدا در منزل خودش شروع به زدن موسیقی کرد، همسایه او که مسلمان بود، اول ناراحت شد و اما روز دوم همین موسیقی زده شد، شخص مسلمان گوش داد، دید بد نیست. روز سوم فرد مسلمان از راه راست منحرف شد و خوشش آمد و در مرحله چهارم دعوت کرد که بیاید منزل مسلمان موسیقی بنوازد. این تقاضای مسلمانی بود که تا چندی پیش ناراحت بود که همسایه بدی دارد. راه دیگر انحراف، یک روز یکی از طایفه کفار با خانم بی‌حجابی که بسیار زینت و نقاشی کرده بود، از خیابان می‌گذشت. دفعه اول مردم تعجب کردند، دفعه دوم مردم از نگاه کردن به این خانم کشتگ و نقاشی شده تمایل شهوانی پیدا کردند تا اینکه این زهر را به خورد مردم شیعه اسپانیا دادند و بدین طریق حاکم آنان را بی‌ارزش کرده و کار به جایی رسید که پادشاه آن زمان و مردم آن زمان محکوم به فنا شدند و نظیر این حقیقت، موفقیت فعلی همین مملکت ما ایران است. دیدند که به هیچ طریقی نمی‌توانند رسوخ کنند و قرآن را از میان بردارند، اول کاری که کردند از آن زهر خطرناک [را] بخورد مردم دادند و آمادشان کردند تا کار به جایی رسید به ما که روحانی هستیم، آنها از تجاع سیاه نام‌نهندند و گفتند آنها خرافاتی هستند، آنها کهنه‌پرست هستند، آنها آدم‌های بی‌خردی هستند. بله، خواست این دسته این است که عمامه آبر[و] سر من و شما نباشد و مردم به آن راهی که خدا فرموده، هدایت نشوند. خواسته آنها این است که به وسیله عکس‌های لخت و عور زنان، افکار جوانان ما را مغشوش و سپس دختران ما را از این راه گمراه کنند. آنها به‌طور غیر مستقیم به راه نیستی ما را سوق می‌دهند و نام آن را تمدن جدید گذاشته‌اند. خوب گوش کنید، در زمان هارون الرشید موقعی که می‌خواستند دین را از بین مردم ضعیف کنند و از بین ببرند، در باطن فعالیت و خرابکاری می‌نمودند و در ظاهر کاری نداشتند، ولی این با مذهب‌ها چه در ظاهر و چه در باطن، علناً می‌گویند دین یعنی چه؟ نامبرده بعد از ذکر مصیبت کوه‌ای، به آیت‌الله خمینی و آیت‌الله شاهرودی دعا کردند از خدا خواستند، [که] شر ظالمین را از سر مردم کوتاه کند. مدت سخنرانی آقای خامنه‌ای، ۱۴:۱۰ الی

۱۵:۱۵ بود.

سپس آقای کرمانی رشته سخن را به دست گرفت و چنین گفت دین اسلام همیشه خواهان امنیت است و ما نباید که به حکومت و احزاب و سیاست و مملکت دخالت کنیم. عده‌ای می‌خواهند که برخلاف موقعیت زمان و برخلاف مملکت و برخلاف دین اسلام صحبت کنیم، ولی من هرگز راه غلطی را که دیگران می‌روند، نخواهم رفت. آنها می‌گویند از وضع اشتطاعت این می‌خواهند که برخلاف دین و ولی غافل از اینکه اینها می‌خواهند مسرا اغفال کنند، تا اذهان مردم ساده‌دل را مشغوب نمایند. توجه کنید، دین با این کسانی که در لباس روحانی هستند و می‌خواهند اغتشاش به راه بیندازند، مخالف است. رفتار آنها برخلاف اصول اسلام و برعکس دین است و ممکن است این رفتار و اغتشاشات باعث شود که سال دیگر در مسجد را ببندند و بگویند اززم نیست. باید بگوییم که من افتخار ۲۲ سال سابقه خدمت دینی و منبر دار دارم و عقیده‌ام در بیان می‌دارم و اگر هم کسی پیدا شود که با دلیل به من بفهماند این راه تو اشتطاعت، فافع می‌شوم نه اینکه بگویم آقا گفته مضر است، آقا گفته حرام است، آقا گفته این راه درست نیست، من قبول ندارم، آقا باید با دلیل به من بفهماند. در این موقع بود که آقای کفعمی از داخل محراب مسجد بلند شد و (اشاره به آقای کرمانی) گفتند: به این شخص لعنت بفرستید و این شیطان است و هر که در منبر این بنشیند، لعنت بر او باد. این مفسد است، می‌خواهد اذهان مردم را خراب کند. در جواب آقای کرمانی گفت: خفه‌شو نفهم، این خیانت است به دین است. تو و امثال تو انجسام می‌دهند. در این موقع منبر به هم خورد و مردم مضطرب و متوحش متفرق شدند و عده‌ای در حدود ۲۰ نفر، پشت سر آقای کفعمی به منزل ایشان رفتند. مابین راه یک نفر به آقاسی کفعمی می‌گفت که آقای کرمانی از روز اول از گفته‌هایش معلوم بود که بی‌دین است. نامبرده کارمند اداره غله می‌باشد. در این موقع لازم دانستم، فوری به عرض برسانم. آبر[نامه] مسجد در ساعت ۱۶ پایان یافت. کسانا مدت سخنرانی آقای کرمانی، ۱۵:۱۵ الی ۱۶ بود. گفتار ایشان به‌طور کلی راجع به دین و راهنمایی مردم و سخنان ایشان مثل آبی بود که ریخت سر آتش. توضیح اینکه آقای خامنه‌ای که میسان گفته‌هایش اظهار داشت در اوایل زهر را به امین ترتیب بخورد مردم می‌دادند، عکس خانم‌های لخت و عور را در پشت چینی‌جات چاپ کرده و در معرض عمومی می‌گذارند و ضمن گفته‌هایش که اکثراً مربوط به سیاست بود، بر عصیانیت مردم افزوده می‌شد.

گزارش‌ها به عرض می‌رسد/ ابوالقاسم فرجی/ ۱۳۱۱/۴۲»

نخستین صفحه از گزارش مأمور ساواک از سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد شیعیان زاهدان

